



اسماعیل رزم آسا
روزنامه نگار
ویژه‌هشگر تاریخ مطبوعات ایران
esrazmasa@yahoo.com
(قسمت سوم)

مردان شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال

در شماره های گذشته گزارشی از نحوه شکل گیری بزرگترین مرکز خودروسازی خاورمیانه که مطرح تر و معروفتر از Daewoo و Hyundai بود ارائه شد و اینک حال روز ایران خودرو

اکنون اعتراضاتی هم که اخیراً در روزنامه‌های اطلاعات و اعتماد به چاپ رسیده در این جا نقل می‌کنیم: «آه ترا می‌خواند...! {کذا}» شعار زیبایی "راه ترا می‌خواند" به قدری مرا جذب کرد {که} با پرداخت ۱۰ میلیون تومان نقد و ۲ فقره چک، یک دستگاه خودرو پژو صندوق‌دار از نمایندگی شرکت ایران خودرو پیش خرید کردم و قرار شد آن را ظرف ۱۰ روز تحویل دهند. اما با گذشت ۳ ماه هنوز این خودرو تحویل نشده و این در شرایطی است که موعد وصول چک‌هایم نیز فرا رسیده است، و به این ترتیب به خود می‌گویم، کاش می‌نوشتند: «آه ترا می‌خواند...» مشتری ایران خودرو

روزنامه اطلاعات شماره ۵۷۵۴۲ دوم مهر ۸۸ ستون ارتباطی اطلاعات با مردم

همچنین در ستون خط اعتماد مورخ ۱۳ مهر ۸۸ با عنوان: (خلف وعده ایران خودرو) چنین نوشته شده:

«خلف وعده ایران خودرو: در خط اعتماد نهم مهرماه در مطلب در مورد ایران خودرو و عدم رضایت مشتریان و عدم تعهد به خدمات پس از فروش و عدم صداقت بود. من هم به عنوان یک نفر که از محصولات ایران خودرو استفاده می‌کنم، نباید می‌کنم سال ۸۶ یک پژو ۴۰۵ دوگانه سوز خریداری کردم. اسامی که محصور شدیم آن را بفروشیم چون مخزن گاز روی آن نبود آن خریدار پول اضافه می‌را که ما بابت گازسوز بودن آن ماشین داده بودیم به ما نداد و گفت کیسول روی آن نیست. حال می‌خواهم بدانم آن پولی که ایران خودرو بابت گازسوز بودن ماشین از ما گرفت کجا رفته است؟ یک هموطن

برگرفته از روزنامه اعتماد شماره ۲۰۶۹ مورخ ۱۳ مهر ۸۸ صفحه ۳

البته مدیر تضمین کیفیت ساپکو ضمن این که از ایران خودرو بر حسب وظیفه‌ای که دارد دفاع می‌کند این اعتراف را هم دارد که:

«... قطعاً در تولید انبوه ایراد وجود دارد و این در تمام دنیا صدق می‌کند» ولی نمونه‌ای از آن را نمی‌گویند که در کجای دنیا این همه اعتراض به کیفیت تولید خودرو بوده است؟! اما با فرض چنین اتفاقی، آیا کارخانه‌های خودروسازی در دنیا برای رفع عیوب خودروی تحویلی اقدامی انجام نمی‌دهند؟ کارخانه‌ای مانند TOYOTA که در مدل خودروهای لندکروز با مشکل فنی مواجه بود با فراخوانی در تمام دنیا، هزینه تعویض قطعه معیوب را متقبل و آن را در سراسر دنیا برای مشتریان خود انجام داد. اما بحث ما در ایران، کشور عزیزمان است با همین اندازه‌ای که در نقشه می‌بینیم نه فراتر.

همین مدیر، مشتریان را که اکثراً اطلاعات فنی ندارند مکلف می‌کند که: «... لازم است مشتری در هنگام تحویل به دقت خودرو را چک کند و اگر نقصی را مشاهده کرد، می‌تواند خودرو را تحویل نگیرد». حال به فرض آن که نقصی را مشاهده و اعلام کرد، چه مدت دیگر باید در انتظار بماند، خدا می‌داند! از این گذشته آیا چک کردن اتومبیل وظیفه مدیران فنی شرکت است یا مشتری؟! یکی دیگر از مطالب منتشره در مقاله:

زلزله ۸/۵ ریشتری در ایران خودرو) که به چشم می‌خورد پیشنهاد تشکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران صنعتی‌نویس (اتوزونالیسم) بود که ما از تشکیل چنین انجمنی استقبال می‌کنیم. ولی معتقدیم تشکیل آن ارتباطی به مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل گروه صنعتی ایران خودرو ندارد که اعلام آمادگی می‌کند. زیرا اگر قرار باشد چنین انجمنی تشکیل شود می‌بایستی از جانب دست‌اندرکاران همین صنف به صورت مستقل انجام پذیرد و به هیچ شرکت و سازمانی وابستگی نداشته باشد و امیدواریم از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران هم رفع مشکل شود و آن

سیده مظلومه (بدرالسادات مفیدی) دبیر انجمن مذکور هر روز ناگزیر نباشد از پله‌های دادسرا بالا و پایین برود. یکبار دیگر این توضیح را بدهم که صاحب این قلم نه عضو این انجمن است و نه عضو انجمن دیگری که پسوند مسلمان هم دارد ولی از آنجا که روزنامه‌نگاران را مظلوم‌ترین قشر جامعه تشخیص داده‌ام وظیفه خود می‌دانم در حد توانم از آنها دفاع کنم.

مردان شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال

اکنون که می‌خواهم به بحث اساسی خود بپردازم، لازم می‌دانم به نکته‌ای اشاره کنم و آن این که در شرح عکسی که از آقای محمود خیامی در بخش اول (شماره ۲۱۱) بدون اطلاع من نوشته شده بود: (محمود خیامی که ایران ناسیونال را بنا نهاد) البته این دو برادر پشت به پشت هم دادند و ایران ناسیونال را بنا نهادند ولی در حقیقت، این مرحوم احمد خیامی برادر بزرگتر بود که باید از او به عنوان: (مرد شماره ۱ ایران ناسیونال) نام برد و محمود را مرد شماره ۲ آن نامید به هر حال من وظیفه داشتم این توضیح را بدهم و از حق کسی که دستش از زمین و آسمان کوتاه است برای ثبت در تاریخ صنایع کشور که تعداد کارگران را در این کارخانه به پانزده هزار نفر رسانیده بودند، دفاع کنم و مطمئن هستم که آقای محمود خیامی که گویا در خارج به سر می‌برد، اگر این توضیح را ببیند نه تنها رنجیده خاطر نمی‌شود بلکه خوشحال هم خواهند شد و از این پس سعی می‌کنم از عنوان مردان شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال استفاده کنم. زیرا معلوم می‌شود این رشته سر دراز خواهد داشت چه آن که نویسنده معتقد است باید نسل جوان امروزی و نسل‌های آینده بدانند در گذشته چه کسانی چرخ‌های صنعتی مملکت را به حرکت درمی‌آوردند!



مرحوم اکبر موفقی
(۱۳۰۹-۱۳۶۸)
که خود شاهد
این وضع بوده
است (پانویس ۱) را
بخوانید



مرحوم احمد
خیامی
پالتواش را برای
مبارزات ملی
فروخت!

فروش پالتو برای مبارزات ملی!

در شماره‌های قبل اشاره کرده بودیم که به سبب پیش آمد شهریور شوم ۱۳۲۰ و هجوم قوای بیگانه به ایران از جمله نیروهای نظامی ارتش سرخ به مشهد و متصرف شدن کامیون‌ها و محل توقف این کامیون‌ها که متعلق به مرحوم سید علی‌اکبر خیامی، پدر خیامی‌ها بود، وضع زندگی آنها مختل می‌شود و احمد که ۵ سال بزرگتر از محمود بوده خود را به آب و آتش می‌زند تا به خانواده خود کمک کند. در آغاز به شست‌وشوی اتومبیل‌های اشخاص در کوچه و خیابان‌ها می‌پردازد و پس از آن با خروج قوای بیگانه از مشهد و تخلیه محل متعلق به پدرش اغلب به تنهایی در آن مکان به همین کار می‌پرداخته و گاهی از فرط خستگی پشت فرمان همان اتومبیل‌ها سرش را می‌گذاشته و به خواب می‌رفته است.

بنابراین آنها تا اوایل دهه ۳۰ وضع خوبی نداشته‌اند. شاید آنچه را که می‌خواهم همین الان به آن اشاره کنم جز آقای محمود خیامی و احیانا بستگان همسن و سال ایشان، کسان دیگری ندانند و آن این است که در جریان انتخابات مشهد در دوره هفدهم مجلس شورای ملی سابق که مرحوم صادق بهداد از مشهد کاندیدا شد، از آن جا که مرحوم احمد خیامی به مرحوم بهداد فوق‌العاده علاقه‌مند بوده برای کمک به هزینه انتخاباتی او؛ تنها پالتو خود را می‌فروشد و وجه آن را برای مبارزات انتخاباتی در اختیار مرحوم بهداد می‌گذارد! (۲)

جان پرور است قصه ارباب معرفت رمزی برو پیرس و حدیثی بیا بگو
اکنون به تهران بازمی‌گردیم، اگر چه ما ناچاریم گاهی هم به زادگاه خیامی‌ها یعنی مشهد مقدس رجعت کنیم چه آن که آنها مانند دیگران به موطنشان عشق می‌ورزیدند و آثاری از خود به جای گذاردند که امروزه مورد استفاده هموطنان قرار دارد.

این دو برادر تمام نیروی خود را صرف توسعه‌ی کارخانه و پیشرفت کارهای فنی از قبیل ساخت سیلندر و وسایل دیگر می‌کردند. یکی از کارگران فنی که بازنشته شده می‌گوید: «احمد خیامی هر چند وقت یک بار برای کارگران سخنرانی می‌کرد یکی از روزها گفت: «هر محصولی که در کارخانه تولید می‌شود حاصل کار و تلاش کارگران است ما هر چه داریم متعلق به کارگران است. اگر کارگران درست کارکنند، کارخانه توسعه می‌یابد»

و درآمد بیشتری کسب می‌شود که در نتیجه حقوق و مزایای کارگران هم بالا می‌رود» او می‌گوید: «در آن هنگام بعد از شرکت نفت حقوق و مزایای کارگران ایران ناسیونال از همه بیشتر بود. برای کارگران نمونه، هر سال برنامه تفریحی می‌گذاشت. مجردها را با ۱۰ دستگاه اتوبوس به شمال می‌فرستاد و متاهل‌ها را به همراه خانواده به مشهد می‌برد. هتل اجاره می‌کرد، آشپز می‌گرفت و همه‌ی امکانات را در طول سفر برای کارگران مهیا می‌کرد. این گونه مراسم را در فصل تابستان برنامه‌ریزی می‌کردند و به گونه‌ای که هر هفته تعداد مشخصی از کارگران مرخصی بگیرند و به این سفرها بروند. این برنامه‌ریزی موجب می‌شد که با وجود فعالیت زیاد کارخانه، به روند کاری ضربه‌ای وارد نکند این کار را به صورت چرخشی تا زمانی ادامه می‌دادند که تمامی پرسنل از این مزایا بهره‌مند شوند. در ایام محرم، مراسم عزاداری برپا می‌کرد و غذای نذری می‌داد. من همراه ۲۰ کارگر می‌رفتیم غذاهای نذری آماده می‌کردیم تا روز تاسوعا و عاشورا تقسیم کنیم.»

محمود خیامی هر صبح جمعه در منزلش مراسم مذهبی برگزار می‌کرد. کارگران به خانه‌اش می‌رفتند و اگر مشکلاتی داشتند همان جا مطرح می‌نمودند. علاوه بر آن جمعه‌ها خانواده و آشنایان کارگران را به کارخانه دعوت می‌کردند و قسمت‌های مختلف کارخانه را به آنها نشان می‌دادند و در سالن غذاخوری از آنها پذیرایی می‌کردند و بعد به سالن آمفی‌تئاتر می‌بردند و با برنامه‌های مختلف و پخش موسیقی زنده، آنها را سرگرم می‌نمودند.

جانا اگر ت خیر دو عالم هوس است نیکی کن اگر بیه نیکی ات دسترس است این پند را بس است اندر همه عمر در خانه اگر کس است، یک حرف بس است (۳)
هر چند این بحث، ما را از ادامه سلسله

مقالات مربوط به قرارداد ۱۹۱۹ بازداشته ولی به یاری خدا و به شرط حیات هر دو را پیگیری کرده و به تدریج به آنها خواهیم پرداخت. در این جا لازم می‌دانم از دوست قدیمی خود جلیل تهرانیان (۴) به مناسبت کمک به تهیه اطلاعات مورد نیاز این سلسله مقالات که خوشبختانه مورد توجه علاقه‌مندان به حقایق تاریخی قرار گرفته سپاسگزاری نمایم. ▶

پانویس ها :

۱- مرحوم اکبر موفقی، تعریف می‌کرد که: (من یک روز اتومبیل‌م را برای شست‌وشو نزد احمد خیامی بردم و قرار شد غروب بروم آن را بگیرم، وقتی مراجعه کردم دیدم اتومبیل را شسته ولی احمد سرش را روی فرمان اتومبیل گذاشته و از فرط خستگی همان جا خوابش برده، ایستادم تا خودش بیدار شد و من به جای مبلغی که معمولاً بابت شست‌وشوی اتومبیل می‌دادم یک اسکناسی که ده برابر آن بود به او دادم و فوراً اتومبیل را روشن کردم و راه افتادم. از این قضیه چند سال گذشت و خیامی‌ها با ایجاد کارخانه ایران ناسیونال اتومبیل بیگان را وارد بازار کردند و فروش آن رونق گرفت. من به این فکر افتادم که نمایندگی آن را در مشهد بگیرم، به تهران رفتم و به مرحوم احمد خیامی مراجعه و تصمیم خودم را با او در میان گذاشتم، او بلافاصله دستور داد ترتیب این کار را بدهند و من نمایندگی این شرکت را برای مشهد دریافت داشتم. خدا هر دوی آنها را رحمت کند که هر یک به نحوی انسانیت را به نمایش گذاشته‌اند.

۲- این انتخابات کاندیداهای دیگری از جمله مرحومان آیت‌الله شیخ محمود حلبی، استاد محمدتقی شریعتی، شیخ احمد بهار و محمد صادق طباطبایی هم داشت که مرحوم شیخ محمود حلبی استعفاء کرد و چون شایع شد که استاندار خراسان (سید جلال‌الدین تهرانی) در امر انتخابات دخالت می‌کند، این موضوع مورد اعتراض برخی از گروه‌ها از جمله جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی قرار گرفت و سرانجام در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱ به دستور دولت انتخابات توقیف شد و در این دوره مشهد مانند بعضی از شهرهای دیگر نماینده‌ای در مجلس نداشت.

۳- رباعی از مرحوم استاد عبدالعظیم قریب.

۴- جلیل تهرانیان فرزند مرحوم محمد صادق تهرانیان (درگذشت ۱۳۶۷) صاحب امتیاز و مدیر روزنامه خراسان است.

مهندس مرتضی سلطانی، صادرکننده نمونه ملی در صنعت ماکارونی

سیمرغ تولید ایران،

پای در بند یارانه‌های مستقیم دولت دارد

این سیمرغ به پرواز درآید، حذف یارانه‌ها امکان پرواز می‌دهد.»

این نماینده صنعت کشور در پایان خاطر نشان می‌سازد: «اگر بستر و محیط کار و فعالیت در تولید گسترش بیابد و اگر تولید فقط در خدمت تولید بماند تحقق توسعه پایدار در دسترس خواهد بود.

هم چراغ مجموعه خود را خاموش می‌کنند و هم سرمایه‌های ملی را از بین می‌برند.

یارانه‌های دولتی، همچون بندهای محکم و زنجیرهای سنگین، بازوان توانمند تولید کشور را مهار کرده‌اند و اجازه پرواز را از آن گرفته‌اند. اما تجربه نشان داده هر کجا که این بندها پاره شده،

یارانه‌های مستقیم دولت، همچون بندهای محکم و زنجیرهای سنگین، بازوان توانمند تولید کشور را مهار کرده‌اند و اجازه پرواز را از آن گرفته‌اند. اما هر کجا که این بندها پاره شده، تولید اوج گرفته است.

مهندس مرتضی سلطانی، نماینده صنعت کشور با بیان این مطلب گفت: «همواره تولید، امری قابل احترام و بزرگ بوده است. ولی در شرایط کنونی، تولید برای کشور، کاری جهادی است. تولید، عرصه افتخار آفرینی برای ملت ایران است. ما بر این باوریم که تنها راه دستیابی کشور به توسعه‌ای عادلانه، گسترش تولید پایدار و صادرات محور است.»

این صادرکننده نمونه ملی ادامه می‌دهد: «جامعه صنعتی کشور در بخش‌هایی که نمی‌توانند به دلایل عمده‌ای از ظرفیت‌های واقعی خود استفاده کنند، افسرده و غمگین است. این دلایل هر چه بیشتر باشد، باید توسط مدیران دلسوز و مسئولین کشور برطرف شود. ایران سرزمینی بسیار غنی و متنوع است. فرزندان این مرز و بوم، با استعدادی بی نظیر، هیچ چیزی را برای رسیدن به یک کشور توسعه یافته کم ندارند.»

سلطانی با اشاره به نقش یارانه‌های مستقیم در عدم تولید داخلی، می‌گوید: «وابسته کردن تولید و تولیدکننده به یارانه‌های مستقیم، ابتکار عمل را از تولیدکننده می‌گیرد و عده ای سودجو را به سمت تولید هدایت می‌کند که تولیدکننده واقعی نیستند و صرفاً برای استفاده از یارانه و رانت‌های حاصله، خود را تولیدکننده معرفی می‌کنند. اینان



مدیران موفق عرصه تولید و صنعت که تربیتی تولیدی دارند، بر این باورند برای شکوفایی و پیشرفت این کشور، باید تولیدی پایدار و صادرات محور را به وجود آورد و با شناخت کامل حمایت کرد. قطار اقتصاد و تولید جهان، منتظر هیچ کس نمی‌ماند. ما باید خود را به آن برسائیم و صندلی‌های بی‌شماری را به نام ملت ایران بدست آوریم. این سیمرغ آماده پرواز است و حق دارد فرصت پرواز بیابد.»

این صادرکننده برتر تاکید می‌کند: «اگر یارانه‌ها قطع گردد، بی شک تمامی شاخه‌های صنعتی، به بالندگی و پویایی خود می‌رسند. متأسفانه سیمرغ صنعت ایران هنوز پای در بند است و زنجیرهایی دارد که نمی‌گذارند بال به سوی موفقیت و سربلندی ایران بگشاید. ما معتقدیم می‌توانیم سرآمد صنعت جهان باشیم، اگر زنجیرها بشکافند و بندها پاره شوند و

۶۰ هزار خواننده و بیننده در هر ماه، اعتباری است که افکار عمومی برای نشریه گزارش قابل است

مقاله ها، ترجمه ها و نظرات خود را به شماره ۰۲۱-۸۸۸۳۳۳۶۱ و یا به پست الکترونیکی: info@gazaresh.com ارسال نمایید.

تهران - صندوق پستی ۱۲۱۵۵-۵۲۶۷
تلفن اشتراک و سفارش آگهی: ۰۲۱-۸۸۸۳۳۳۷۸۱

ما هفتا به گزارش اجتماعی - سیاسی - اقتصادی